

محوطه ی باستانی اولتان قالاسی: قضاوت قضا و قضاوت اهالی بیدار دشت مغان

کریم علیزاده¹

E-mail: k.s.alizadeh@gmail.com

در اینجا قصد دارم درباره ی شهری کهن مطالبی خدمت هم میهنان و بالاحص اهالی دشت مغان، اهالی حقوق و قضا، مسئولین محترم شهرستان پارس آباد مغان، فرهنگ دوستان و آنانی که به حفظ میراث فرهنگی حساسیت دارند ارائه دهم. بر خود لازم می دانم که در ابتدا از این شهر کهن که امروزه ما باستان شناسان آنرا به نام "محوطه ی باستانی اولتان قالاسی" می شناسیم توصیفی ارائه دهم تا با شرایط و اهمیت آن آشنا شویم. نوشتن این مطلب را از آن جهت ضروری یافتیم که اگر دیر متوجه باشیم و اگر دیر به داد آثار و بقایای این شهر کهن و این اثر ملی برسیم زمانی فراخواهد رسید که دیگر پیشمانی سودی ندارد. ممکن است هنگامی به اهمیت حفظ آن پی ببریم که به دست خود آنرا از بین برده باشیم یا به انحای مختلف به آن آسیب زده باشیم. بر خود واجب می دانم باری دیگر این مسئله را گوشزد کنم که محوطه ی باستانی اولتان قالاسی در دشت مغان، بزرگترین اثر فرهنگی در مغان و تنها اثر فرهنگی و ملی با قابلیت های بالای جذب توریست است. همانطور که می دانیم حفاظت از میراث فرهنگی تنها از عهده ی نیروی انتظامی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر نمی آید و مقوله ی حفاظت از میراث فرهنگی بدون کمک عموم مردم، سایر نهادها و مسئولین آنها امکان پذیر نخواهد بود.

اولتان قالاسی محوطه ای است باستانی که در ساحل جنوبی رود ارس و در کمتر از پانصد متری غرب روستایی به نام اولتان واقع است. این روستا در حدود 12 کیلومتری جنوب غربی شهر پارس آباد (دشت مغان)، بر سر راه پارس آباد به اصلاندوز، در استان اردبیل قرار دارد. دشت مغان در شمالی ترین بخش کشور، در غرب دریای خزر و شمال استان اردبیل واقع است.

محوطه ی باستانی اولتان قالاسی به شماره ی 2654 در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. اهالی بومی این محوطه را (بخش ارگ یا حصاردار آنرا) با نام "اولتان قالاسی" (یعنی قلعه ی اولتان) می شناسند. با توجه

1- عضو هیئت علمی پژوهشکده ی باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

به مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته از جمله مطالعه ی آثار سطحی و مطالعه ی عکس های هوایی و ماهواره ای، بنظر می رسد این محوطه ی باستانی، شهری بوده که ظاهراً از دو بخش محصور (شارستان یا ارگ) و غیرمحصور (بخش استقراری پیرامون شارستان که احتمالاً بتوان از آن بعنوان "رض" یاد کرد) تشکیل شده است. اولتان قالاسی در مجموع و با احتساب ارگ و رض احتمالاً بیش از 70 هکتار وسعت دارد.

کاوشهای باستان شناختی فعلاً در محدوده ی ارگ و اطراف باروی آن متمرکز شده است. ارگ شهر، وسیع و تقریباً مسطح است که بارویی خستی آنرا فرا گرفته است. شکل ارگ بصورت مستطیلی نامنظم (با گوشه های غیرقائمه) و به ابعاد تقریبی 400×800 متر است. گوشه های این مستطیل تقریباً در جهات اصلی جغرافیایی قرار دارند. بر روی بارو پستی و بلندیهایی دیده می شود که بنظر می رسد نمایشگر برجکهای آن است. گرداگرد ارگ را خندقی با عرض حدود 10 متر احاطه کرده است. شرایط، شکل گیری و جای گیری اولتان قالاسی بی شک بی تأثیر از وجود و جریان رود ارس نبوده است. اولتان قالاسی از جهت شمال، شمال غربی و غرب به رود ارس مشرف است. رود ارس هم اکنون از کنار این محوطه می گذرد و با نفوذ به بخشهای تحتانی ارگ در این بخش موجب فرسایش دائمی آن است. از جهات دیگر، سوله ها، جاده، کانال فاضلاب، پستی و بلندیهای حاصل از فعالیت های کارگاههای ماسه شویی آنرا در بر گرفته و جاده ی آسفالتی ی پارس آباد به آصلاندوز از فاصله ی کمتر از 100 متری شرق ارگ عبور می کند.

محوطه ی اولتان قالاسی برای نخستین بار توسط آقایان محمود کردوانی و ایرج حریرچیان در سال 1351 مورد بررسی قرار گرفته است (کردوانی و حریرچیان، 1351، گزارشهای چاپ نشده). در سالهای 1381-1380 از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل نیز گمانه هایی برای کاوش در اطراف ارگ ایجاد شده است. گمانه های اخیر به سرپرستی جناب آقای غفار قنبرزاده و به منظور آموزش دانشجویان باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی در اردبیل صورت گرفته است.

دو عامل مهم اولتان قالاسی را مورد تهدید قرار می دهد: عامل نخست پیشروی رود ارس و عامل دوم ساخت و ساز تاسیسات عمرانی در عرصه و حریم محوطه ی باستانی است. رود ارس به دو شکل همواره در حال تخریب و فرسایش تدریجی بخشهای شمالی، شمال غربی و غربی محوطه است. نخست با طغیان فصلی خود باعث می شود بخشهای در معرض آب، بخاطر مقاومت اندک در برابر فشار آب، ریزش کرده و خود را به دست

آب بسپارد. علاوه بر این به دلیل اینکه رود ارس همواره از کنار محوطه ی باستانی در جریان است، از اینرو به لایه های زیرین خاک در بخشهای یاد شده نفوذ کرده و دائماً در حال فرسایش آن است که این نیز خود سبب فرسایش خاک محوطه و ریزش آن به درون آب می شود. ضروری است که پروژه ی ملی ساحل بندی رود ارس که مجری آن فرمانداری محترم پارس آباد است به این مهم نیز اهمیت لازم و کافی را قائل باشد و این محدوده از ساحل رود ارس را در اولویت های این پروژه قرار دهد. بارها در این باره با مسئولین شهرستان مذاکره و مکاتبه شده ولی تاکنون گامی در این راستا از سوی مسئولین برداشته نشده است.

عامل دوم، تهدیدات انسانی است. دشت مغان به دلیل مساعد بودن شرایط اقلیمی، بسیار حاصلخیز است و از اینرو فعالیت های کشاورزی و عمرانی در دهه های اخیر در این منطقه بسیار رشد کرده و بطور روزافزونی در حال توسعه است. بخشهای شرقی و جنوبی محوطه در معرض تهدید پیشروی و گسترش تاسیسات عمرانی از جمله احداث کارخانه ها و کارگاههای مرتبط با فرآورده های کشاورزی و تولید شن و ماسه برادران سپهری قرار دارد. در سالهای اخیر حتی چنین برنامه ریزی شده بوده که جاده ی آسفالتی پارس آباد به اصلاندوز که هم اکنون از فاصله ی اندکی از شرق آن می گذرد از دل محوطه ی باستانی عبور کند که خوشبختانه با اقدامات به موقع مسئولین وقت میراث فرهنگی و دستگاه باستان شناسی کشور از این کار جلوگیری شده است. شواهد تسطیح و شن ریزی اندکی که به منظور آماده سازی برای احداث جاده انجام شده، هنوز بر سطح محوطه قابل مشاهده است.

در فاصله ی چند متری ضلع جنوب غربی ارگ و درست در امتداد و موازی با آن یک کانال فاضلاب احداث شده است. کانال فاضلاب از محلی عبور کرده و به رود ارس می ریزد که خندق باستانی ارگ در بخش جنوب غربی از آنجا می گذشته و مسئولین احداث کانال فاضلاب از عمق و گودی خندق باستانی بهره گرفته و کانال را به راحتی از محل خندق عبور داده اند. صحت این ادعا را پیگردی خندق و کانال های باستانی اطراف محوطه و نیز مطالعه ی عکس های ماهواره ای و هوایی نشان داد.

فعالیت های کشاورزی در دشت بطور روزافزونی در حال رشد و گسترش است. بطوریکه کمتر جایی باقی مانده که مورد کشت و زرع قرار نگرفته باشد. فعالیت های کشاورزی به تمام نقاطی که قابل کشت باشد گسترش پیدا کرده است. از معدود زمینهایی که از نظر کشاورزی هنوز بایر است محوطه ی مسطح و باستانی

اولتان قالاسی و اندکی از نواحی اطراف (حریم) آن است. از اینرو به نظر می‌رسد این نقطه از دشت از نظر فعالان ساخت و سازهای عمرانی و صنعتی برای احداث کارگاهها و کارخانه‌ها بسیار مناسب آمده چرا که به قدری کارخانه‌ها، کارگاهها و تاسیسات در جای جای این دشت احداث شده که جا تنگ آمده و حال کار به جایی رسیده که به جان عرصه و حریم اثری ملی چون اولتان قالاسی افتاده‌اند. شاهد این مدعا تعداد سوله‌هایی است که در حریم و عرصه‌ی محوطه‌ی باستانی احداث شده است. بازدید از نواحی پیرامون محوطه و مطالعه‌ی عکس‌های ماهواره‌ای و هوایی نشان می‌دهد که نواحی وسیعی از جنوب غربی و جنوب ارگ در واقع بخشها یا محله‌های مسکونی و بی‌حصار اولتان قالاسی را تشکیل می‌داده است. پراکنش سفالها و آثار سطحی تا صدها متری پیرامون ارگ قابل مشاهده می‌شود و علاوه بر این گمانه‌های تعیین حریم نیز حاکی از وسعت زیاد این شهر کهن دارد بطوریکه می‌توان به راحتی محدوده‌ی بین جاده و رود ارس را عرصه‌ی این شهر کهن به حساب آورد.

پیشینه تاریخی این شهر (محوطه‌ی اولتان قالاسی) بسیار مبهم می‌نماید. در بعضی از منابع از این شهر به عنوان یکی از بناهای دوره اشکانی نام برده می‌شود. در حالی که با توجه به نتایج کاوشهای اخیر و جستجوی دقیق در منابع و کتب مربوط به تاریخ و جغرافیای تاریخی دشت مغان و این محوطه، به نظر نمی‌رسد که قدمت این شهر به دوره‌ی اشکانی برسد. متأسفانه به خود اولتان قالاسی در متون و کتب تاریخی و بالطبع به ارگ آن نیز اشارات چندانی نشده است که این امر اندکی عجیب به نظر می‌رسد. چرا که اولتان قالاسی محوطه بسیار بزرگی است و با توجه به موقعیت و وسعت آن، انتظار می‌رفت که شناسایی تاریخی آن به آسانی انجام پذیرد.

بنظر می‌رسد که احتمالاً این شهر در مقطعی از تاریخ، نام دیگری غیر از "اولتان" داشته است. تنها از دوره مغول به بعد است که نام اولتان را در یکی از منابع مهم مشاهده می‌کنیم. در میان شهرهایی که توصیف شرایط و موقعیت آنها در متون کهن و منابع آمده، توصیف یکی از آن شهرها با موقعیت و شرایط محوطه‌ی باستانی اولتان قالاسی نزدیک و گاهی همخوانی دارد. آن شهر همانا شهر "ورثان" در منابع و کتب دوران اسلامی است. گویا شهر ورثان مهمترین شهر حوضه‌ی رود ارس در این ناحیه بوده است. ابن حوقل درباره موقعیت این شهر می‌نویسد: "مرز سرزمین اران در پایین، رود ارس است. در کنار رود شهر ورثان واقع است

و ... " (ابن حوقل 1345، ص 95). ابن حوقل همچنین در توصیف این شهر در صورۃ الارض می آورد که: "ورثان شهری است بزرگتر از بیلقان و مردم آن نیز بیشترند و بازارها و مراکز تجارت و نیز مانند شهرهای بزرگ اعمال و مسافرخانه ها و حصار و ربض که شامل بازارهاست دارد. و از ورثان تا بلخاب هفت فرسخ است" (ابن حوقل 1345، ص 95). پس از دوره ی اولیه ی اسلامی دیگر نامی از ورثان در متون تاریخی دیده نمی شود. از دوره مغول به بعد تنها محل مهمی که در این منطقه از آن نامی برده می شود اولتان است. احتمالاً این شهر یعنی شهر ورثان به دلایل نامعلومی متروک و نام آن نیز به فراموشی سپرده می شود.

جزئیاتی که از شرایط شهر ورثان باستانی در منابع ذکر شده از جمله برج و باروهای آن، خندق اطراف آن، موقعیت آن در کنار رود ارس و وسعت زیاد آن همه با آن شرایطی که در محوطه ی اولتان قالاسی با آن روبرو هستیم تقریباً مطابقت دارد. محققان و پژوهشگران گهگاه در نوشته های خود به صراحت به یکی بودن این دو شهر یعنی اولتان و ورثان اشاره کرده اند. برای مثال مینورسکی در تعلیقات خود بر سفرنامه ابودلف، ورثان را همان اولتان امروزی می داند که در ساحل جنوبی رود ارس قرار دارد، اما دلیل و مدرکی برای این ادعای خود مطرح نمی کند² (مینورسکی 1342، ص 47 و 107). با اینکه شواهد زیادی ما را به این نتیجه گیری نزدیک می کند که اولتان قالاسی را همان شهر ورثان بدانیم ولی تا زمانی که شواهد و مدارک صریح در این باره از طریق کاوشهای باستان شناختی بدست نیامده، موارد فوق الذکر در حد فرضیه باقی خواهند ماند.

لایه نگاری در اولتان قالاسی حکایت از وجود شهری است که در دو دوره مسکون بوده است. دوره ی اول احتمالاً توسط طغیان عظیم و مهیب رود ارس دچار ویرانی شده است. آثار این طغیان بصورت ته نشست و لایه ی ضخیم شن و ماسه ی رودخانه ای کشف شد. لازم به ذکر است که یک طغیان دیگر نیز پیش از این در زمان دوره ی اول اتفاق افتاده که باعث ویرانی نشده است. آثار روشن این طغیان نیز در حین کاوشها کشف شد. هنوز از دلایل ویرانی و متروک شدن دوره ی دوم اطلاعات دقیقی نداریم ولی امیدواریم که در کاوشهای آتی به شواهدی در این باره دست بیابیم.

2- مینورسکی موقعیت دقیق این شهر را در نزدیکی خرابه های دژ آلتان واقع در قسمت سفلی رود در جهت پاسگاه دلاگارد و در مقابل ایستگاه راه آهن داشبرون می داند.

مطالعه ی سفالهای بدست آمده حکایت از سفالهای اواخر ساسانی و اوایل اسلامی دارد. سفالهای لایه های تحتانی (دوره ی اول) غالباً با سفالهای اواخر ساسانی قابل مقایسه است ولی سفالهای لایه های فوقانی تر (دوره ی دوم) غالباً نمایشگر سفالهای اوایل اسلامی (احتمالاً سده های 3-4 هجری و پیش از آن) هستند.

حضور ساسانیان در این ناحیه، منطقه ی قفقاز و نواحی آن بطور ناپیوسته و گاهی پیوسته از طریق کتیبه های ساسانی (نک. لوکونین 1372 و بارتولد 1375، ص 164) و نیز از طریق داده های باستان شناختی در کاوشهای دیوار دربند در شمال قفقاز (Gadjiev 1997, p.27) آشکار است. اما بنظر می رسد که نواحی قفقاز در اواخر دوره ی ساسانی از شرایط ویژه ای برخوردار بوده و دولتهای چندی از جمله ساسانیان، امپراتوری روم، دولت خزرها و نیز دولتهای محلی در حال مناقشه بر سر این نواحی بوده اند. پس از ظهور اسلام، سقوط امپراتوری ساسانی و لشکرکشی مسلمانان به این نواحی، اوضاع بیش از پیش پیچیده تر می شود (برای آگاهی بیشتر نک. بارتولد 1375 و رضا 1382). بی شک این شهر کهن نیز بخشی از این منطقه ی مورد مناقشه بوده و احتمالاً بارها بین دول مختلف بر اثر جنگها دست به دست شده است. به همین خاطر به راحتی و فعلاً نمی توان از حاکمان واقعی این شهر کهن نام برد.

هرچند مطالعات باستان شناختی در اولتان قالاسی ما را با شهری متعلق به اواخر ساسانی/اوایل اسلامی روبرو کرده است ولی مطالعات تاریخی و بویژه جغرافیای تاریخی حاکی از این است که مسئله ی شناسایی هویت این شهر و درک تاریخ سیاسی آن پیچیده تر از آنی است که پیش از این پنداشته می شد. در هیچ کدام از متون تاریخی به سیل یا طغیان بزرگ- نظیر شواهدی که از دو سیل بزرگ بدست آمده- اشاره ای نشده است. حال آنکه در موارد مختلفی جزئیات شهرها و اقلیم این منطقه توصیف می شده است. بنظر می رسد شهری عظیم با ویژگیهایی این چنین از جمله وسعت زیاد، خندق و کانالهای آبرسانی اطراف آن، باروی سترگ و خشتی و موقعیت حساس آن در کنار رود ارس حاکی از وجود اراده و قدرتی بزرگ برای ساخت و بنای آن است. با توجه به شواهد سفالی، مدارک حضور قوی ساسانیان در قفقاز از نیمه ی دوم سده ی ششم میلادی تا ربع اول سده ی هفتم میلادی، و نیز استحكاماتی که در این نواحی ایجاد کرده اند بنظر می رسد که احتمالاً بنای اولیه ی این شهر توسط دولتی همچون دولت ساسانی می توانسته صورت گرفته باشد. ولی از طریق

منابع آگاهییم که این نواحی (و شاید این شهر نیز) بارها بر اثر جنگ‌ها بین دول مختلف دست به دست شده است (نک. رضا 1382، فصول شانزدهم و هفدهم).

در مورد اولتان قالاسی هنوز پرسشهای زیادی مطرح است که به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای آنها هستیم. هنوز نمی‌دانیم که دوره‌ی اول شهر که ما تاکنون نشانه‌های آنرا در محدوده‌ی کوچکی شناسایی کرده‌ایم چه شرایطی داشته، وسعت آن چه مقدار بوده، آیا شکل آن همچون الگوی دوره‌ی دوم بوده و بدست کدام یک از پادشاهان بنا شده است؟ آیا می‌توان شواهدی عینی دال بر "ورثان" بودن این شهر یافت؟ با توجه به وسعت زیاد این شهر آیا می‌توان تصور کرد که مهمترین شهر این ناحیه بوده است؟ چه روابط یا مناسباتی با مناطق درونی ایران و شمال رود ارس (قفقاز) داشته است؟ چرا اینگونه بنا شده و چه عواملی در شکل‌گیری آن نقش اساسی ایفا کرده‌اند؟ حفر خندق گرداگرد ارگ آن از چه سبب بوده است؟ آیا شرایط نظامی نیز داشته است؟ آیا این شهر در زمان خود نیز یک شهر مرزی محسوب می‌شده است؟

بدین ترتیب می‌بینیم که پرسشهایی بسیاری پیش روی ماست که مسلماً یافتن پاسخ مناسب برای آنها تحولی انقلابی در درک ما از تاریخ این شهر و دشت ایجاد خواهد کرد. تلاش باستان‌شناسان برای یافتن پاسخ است که با کشفیات درخشان و زیادی همراه می‌شود. در خلال این تلاش‌هاست که علاوه بر کشف نکات بسیار مهم، پس از چندین سال فعالیت‌های چندجانبه‌ی پژوهشی، حفاظتی، مرمتی یک شهر باستانی همچون اولتان قالاسی با یافته‌های معماری و سازه‌های عظیم تبدیل به مرکزی مهم برای جذب گردشگران و توریست‌ها می‌شود. امروزه باستان‌شناسان به قابلیت بالا و فوق‌العاده‌ی این شهر کهن اذعان دارند. اما آنچه که ضروری بنظر می‌رسد حفظ آثار و میراث فرهنگی است، که به باستان‌شناسان اجازه و فرصت مطالعه و تحقیق را می‌دهد. در سایه‌ی تلاشها و فعالیت‌های باستان‌شناسان، حفاظت گران، مرمت گران، کارشناسان موزه و بسیاری دیگر است که قابلیت‌های بالقوه‌ی یک محوطه‌ی باستانی تبدیل به بالفعل می‌شود. در خلال تلاشها و کشفیات باستان‌شناس است که در کنار یک شهر مهمی همچون اولتان قالاسی می‌توان انتظار داشت که در ظرف کمتر از چند سال موزه‌ای محلی نیز به منظور نمایش کشفیات باستان‌شناختی تاسیس گردد.

اولتان قالاسی در ساحل جنوبی رود زیبای ارس از چندین جهت محوطه ای کم نظیر در کشور محسوب می شود (نک. علیزاده 1384). هر باستان شناسی با حضور در این محوطه و با دیدن وسعت زیاد، موقعیت، ارگ با حصار خشتی آن، شکل هندسی ارگ، خندق گردگرد آن و پراکندگی آثار سطحی، در ارزش زیاد، اهمیت فوق العاده و ضرورت حفاظت از آن با ما هم عقیده می شود. بی شک با تداوم کاوشها و تحقیقات باستان شناسان و همزمان اقدامات جدی حفاظتی و مرمتی، این محوطه ی تاریخی-فرهنگی می تواند در آینده ی نزدیک به یکی از مراکز مهم جذب گردشگران داخلی و خارجی در دشت مغان و شمال غرب کشور تبدیل گردد.

این شهر کهن طی سالهای گذشته آسیب های فراوانی دیده است. اما آنچه که اخیراً و در چند سال گذشته توسط برادران سپهری صورت گرفته امری است جبران ناپذیر و باعث خصران ملی. در سالهای گذشته برادران سپهری از شرایط سختی که سازمان میراث فرهنگی داشت سوء استفاده کرده و برای بخشهای وسیعی از زمینهای اطراف ارگ که در عرصه ی محوطه ی اولتان قالاسی قرار دارد سند مالکیت تهیه کرده اند. متعاقباً و متاسفانه سند مالکیت ایشان بهانه ای شده تا به انحای مختلف در محوطه و اثر ملی دخل و تصرفهای فراوانی انجام دهند. با گسترش کارخانه ها و تعدد سوله ها، گسترش کارگاه شن سازی، تسطیح زمین، درختکاری های کاذب/هدفمند و ساخت و سازهای عمرانی متعدد باعث وارد آمدن آسیب های جدی به این محوطه شده اند. اخیراً نیز با حفر محدوده ی بزرگی از خندق باستانی این شهر کهن، اقدام به ایجاد مخزن فاضلاب برای کارخانه ی رب سازی کرده اند.

پس از سالها کشمکش میان اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل و برادران سپهری هنوز تصمیم مناسبی از سوی مسئولین قضایی شهرستان پارس آباد گرفته نشده و این سبب جری تر شدن برادران سپهری در گسترش فعالیت های تخریبی خود شده است. لازم به ذکر است که از دهها سال پیش در بسیاری از کشورهای جهان و از چندین سال پیش در ایران نیز چنین معمول شده که هر شخصی حقوقی و حقیقی در صورت تصمیم به دخل و تصرف و خاکبرداری در زمین خود، حتی در زمینی که سند مالکیت آنرا در دست دارد، می بایست از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استعلام نماید. پس از کارشناسی محل و پاسخ آن توسط سازمان است که شخص می تواند در زمین خود به دخل و تصرف و خاکبرداری بپردازد. حال چگونه است که در داخل شهرها این قضیه رعایت می شود و در عرصه ی یک شهر کهن، که شهره ی خاصه و عام

است، اقدام به حفر مخزن بزرگ فاضلاب می شود و هیچ نیازی به استعلام از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری احساس نمی شود.

توجه خوانندگان را به این نکته جلب می کنم که به سبب مخدوش شدن منظر میدان نقش جهان در اصفهان و پس از کشمکش های زیاد در سطح ملی و بین المللی، بالاخره با اتخاذ تصمیمی شایسته از سوی دولت جمهوری اسلامی ارتفاع برج تجاری اصفهان تعدیل شد. این تصمیم دولت با تحسین بسیاری روبرو شد. اما در سوی دیگر کشورمان، دشت مغان، افرادی که تنها به دنبال کلان تر کردن سود و منفعت شخصی خود هستند با وارد آوردن تخریب و آسیبهای جدی و گاهی جبران ناپذیر به میراث فرهنگی همچنان به تخریب ادامه می دهند بی آنکه اراده ای مسئولانه به جلوگیری از این امر وجود داشته باشد. منفعت مادی، معنوی و اعتبار ملی ای که این شهر کهن برای ما به ارمغان خواهد آورد بر همگان آشکار است به همین خاطر این پرسش مطرح می شود که منفعت شخصی برادران سپهری تا به کی بر منافع عمومی و ملی ارجحیت خواهد داشت؟ و به راستی جایگاه میراث فرهنگی در حقوق قضایی کشور کی بصورت ملموس مورد توجه خواهد بود؟

شایسته نیست با تاکیداتی که دولت جمهوری اسلامی و مسئولین آن بر حفاظت از میراث فرهنگی دارند، همچنان شاهد تخریب های جدی در این شهر کهن باشیم. شایسته نیست که از یک سو همه ساله میلیونها ریال از سوی دولت و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برای انجام پژوهشهای باستان شناسی، حفاظتی و معرفی این محوطه ی باستانی شود و از سوی دیگر شاهد جری تر شدن کارخانه داران سپهری در تخریب این اثر ملی و نیز تسامح دستگاه قضایی شهرستان برای جلوگیری از این خصران ملی باشیم.

امید است با اتخاذ تصمیمات درست و در جهت حفظ منافع ملی از سوی مسئولین قضایی شهرستان پارس آباد از گسترش آسیب ها و تبعات آن جلوگیری بعمل آید. بدیهی است که حافظه ی تاریخی مردم و نگاه افکار عمومی به این مسئله توجه خاص دارد چرا که تک تک اهالی مغان به ارزش و اهمیت واقعی اولتان قالاسی، این شهر کهن و باستانی، و منفعتی که برایشان خواهد داشت بیش از پیش آگاه شده اند.

کتابنامه

ابن حوقل،

1345 *صورة الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ

1375 *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه ی لیلا ربن شه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

رضا، عنایت الله

1382 *اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول*، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.

علیزاده، کریم

1384 *گزارش مقدماتی فصل دوم مطالعات باستان شناختی اولتان قلاسی، دشت مغان، استان اردبیل، 1383*، چاپ نشده، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده ی باستان شناسی، تهران.

کردوانی، محمود و ایرج حریرچیان

1351 *گزارش بررسی های باستان شناسی دشت مغان*، چاپ نشده، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.

لوکونین، ولادیمیر گریگورویچ

1372 *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه ی عنایت الله رضا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

Gadjiev, M.

1997 "Studies of the fort Derbent fortification Complex and Identification of the 'Fortress Sul' ", in O. D. Lordkipanidze & B. A. Jorbenadze, A.A. Tchanturia, *Archaeology of Caucasus: New Discoveries and Perspectives*, pp. 27-28, Tbilisi.